



۲۰۱۶/۰۵/۱۴



ولی احمد نوری

مکت جدی بر نوشته های سیستمی

آقای اعظم سیستمی چند روز قبل کاغذی را با محتویات مغرضانه و معترضانه، غیر مؤدبانه و بسیار دور از عفت قلم و معاشرت انسانی، در باره عده ای از نویسندگان دانشمند، صائب نظر، قلم بدست نخبه و وطنپرست، (صفتی که سیستمی فاقد آنست!!) سیاه نموده و در سایت "افغان جرمن آنلاین" نشر و صفحات آن رسانه را مثل همیشه با مهملات خویش آلوده ساخته است. در همین نوشته بی محتوای خویش نام مرا نیز دو مرتبه با قلم ناپاک خود سیاه ساخته و سایت "آریانا افغانستان آنلاین" را هم دو بار، یک سایت "سلطنت طلب" خوانده است.

آقای سیستمی باور کنید من قصد نداشتم وقت گران بهایم را صرف این موضوع بنمایم که جناب شما در طول زندگی تان چه کار ها نبود که نکرده اید!! چه دروغ ها نبود که نگفته اید!! و چه تهمت ها و بهتان ها نبود که به مردمان شریف، نجیب و با وجدان افغانستان نه بسته اید!! اما وقتی دیده در آبی و جسارت شما را دیدم که چگونه دیگران را در "نقطه" و "کلمه" مورد انتقاد قرار می دهید ولی خودتان در نقطه و کلمه و نوشته و نظر نه، بلکه حتی در عمل، آری در عمل و اقدام و فعل، خویش را (بیون هیچ اجبار) در خدمت سیاه ترین رژیم در تاریخ معاصر افغانستان قرار داده بودید و امروز به خود اجازه می دهید تا بر شخصیت ها و افراد پاک نفس آن سرزمین قضاوت و بی احترامی کنید، این چشم سفیدی افراطی شما مرا به آن واداشت تا به اعمال نامۀ شما در طی حاکمیت حزب منحوس دیموکراتیک نگاهی بیاندازم "تا سیاه روی شود هر که در او غش باشد".

در روزنامه انیس ۵ و ۷ میزان ۱۳۵۸ ش - که در آن مقاله ای از قلم شما به نشر رسیده است؛ شما در مقاله مذکور تان در جایی می نویسید که: «... به کاتکور زده گان [زدگان] رژیم منفور داودی [داوودی]...» و بعد در جای دیگر همین نوشته تان می نگارید که: «... رهایی هزاران زندانی بلا کشیده زمان ظاهر شاهی و داود شاهی...» در جاهایی از نوشته تان از "تحقق آرمان های انقلاب ثور" حرف می زنید و بالاخره مقاله انقلابی تان را با این شعار ها خاتمه می دهید:

به پیش در راه تحقق آرمان های سترگ انقلاب ثور.

به پیش در راه ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد.

مقاله متذکره شما در دو بخش در روزنامه "انیس" چاپ شده است که در پائین نقل عکس برداری شده هر دو بخش را در برابر چشمان خوانندگان می گزارم تا هموطنان گرامی ما توجه فرمایند که من همچو شما به هر کسی اتهام هوایی وارد نمی کنم و برای ادعای خود سند معتبر و تاریخی در اختیار دارم. این مقاله شما حین اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ و عروج بیرک ملعون ثمر خود را داد و شما پاداش آن همه چیغ زدن ها و کاسه لیبی های تان را دریافت کردید، زیرا در ازای آن همه "خدمات تان" به حیث عضو هیأت رئیسه شورای

انقلابی (بگفته بعضی منابع آگاه معاون ببرک کارمل) منسوب شدید و به شما لقب پوشالی "کاندید اکادمیسین" را اهدا کردند. فراموش نشود این پاداش یک تایتل و رتبه علمی نیست که شما به آن اینقدر می نازید، زیرا رتبه علمی بر اساس تلاش های کارهای علمی و پس از تثبیت قابلیت و لیاقت اثر، از طرف استادان ذیصلاح به اشخاص مستحق داده می شود، فراموش نشود که حینی که جناب شما در ترکیب هیأت رئیسه شورای انقلابی تشریف داشتید، (معاونیت ببرک ملعون) آن هیأت رئیسه و آن شورای انقلابی اسناد و مدارکی را به تصویب رسانیده است که منافع ملی افغانستان و مردم آنرا در پای خوکان ریخته، یعنی به دولت استثمارگر و جهانخوار روس قرار داده و قربانی کرده است، شما در آن شوری به حیث عضو هیأت رئیسه اش قواعد و مقرراتی را ساخته و نافذ کرده اید که نظر به آن هزاران هموطن ما به زندان ها انداخته شده، شکنجه گردیده و دهات، قصبات، قراء و منازل مردم ما ددمنشانه بمباردمان و ویران گردیده و از نقشه کشور نا پدید شده اند؛ صد ها هزار هموطن بی دفاع و مظلوم ما به قتل رسیده و شهید شدند و ملیون های دیگر از لانه و کاشانه شان آواره دیار غیر گردیدند که حالا با افشای هرچه بیشتر اسناد و اوراق آن جریانات غیر بشری خونین از اینجا و آنجا، اسنادی که توسط شما و بقیه اعضای جنایتکار آن شورای مخوف امضاء و نشانی شده است ان شاءالله روزی در رسانه ها به اطلاع مردم ما خواهد رسید. دور نیست، منتظر باشید!!

این را هم از یاد نبرید، شما به رژیم مزدوری کرده اید و همزمان که شما در توصیف و مدح رژیم مصروف بودید و مردم ما را با مطالعه مقالات خائنه و مزورانه تان غافل می ساختید، رژیم جنایت کار و وطن فروش شما در شکنجه و تیرباران و کشتارهای جمعی هموطنان بیگناه و افراد شریف و دانشمند کشور ما سرگرم بود.

همان "شهید محمد داوود" را که شما جمهوریتش را به نام "رژیم منفور داودی [داوودی]" خطاب میکردید حالا سنگ جمهوریت آنرا به سینه میزنید، همان دوازده هزار انسان بیگناه وطن ما را که قاتلان شان را "به پیش به سوی تحقق آرمان های انقلاب سترگ ثور" فرا می خواندید ولی حالا قربانیان و مظلومان رژیم تان و بادران تانرا "شهید" "بیگناه" و "معصوم" یاد می کنید. نگاه کنید این تغییر ۵ درجه و ۱۰ درجه نیست این تغییر ۱۸۰ درجه است.

شما اگر یک آدم امی و بی سواد و کم سواد می بودید، حرفی نبود می گفتیم بیچاره از نادانی و بی عقلی فریب خورده بود اما شما نقش "تاریخ نویس!!" را تمثیل می کنید، شما که در زندگی شخصی و رسمی تان به این اندازه بوقلمون مزاج بوده، تغییر رنگ و ماهیت داده اید و چهره تان را در زیر ماسک "تاریخ نگار" پنهان نموده اید، مگر کتاب ها و نوشتجات "تاریخی!!" از این عیب در شخصیت شما که کذب و دروغ و ریاست، و میل به جیفه دنیا دارد، مصون خواهند ماند؟؟، مؤرخه که چنین عیوب شخصیتی داشته باشد، کار تاریخ نگاری آن چه ارزشی خواهد داشت؟ تأسف و افسوس به آن مخاطبان شریف و خوش باور نوشته جات شما که به آن باور کرده باشند و رویداد های مندرج آن را واقعیت های تاریخی پذیرفته باشند. رژیم نیز برای اینکه دروغ پردازی های شما را معتبر ساخته باشد به شما لقب پوشالی "کاندید اکادمیسین" را چسپانده است، اکادمیسینی که در این عصر و زمان یک زبان خارجی را چه، که حتی طریق درست نوشتن زبان مادری خود را نیز بلد نباشد.

آقای سیستمی اسناد و اوراقی در حال جمع شدن اند که ثابت خواهد ساخت شما در جمله متهمان ارتکاب به جنایات ضد بشری در وطن ما که زمینه قانونی سازی آن اعمال (زندانی کردن ها، شکنجه نمودن ها، و کشتار ها) را فراهم می ساخته است، اسم مبارک شما هم درج شدنی می باشد.

در مورد توهین و بی حرمتی شما به نظام شاهی و سلطنت نیز باید به شما گوشزد شود و آن سلطنت را که شما در زمان قدرت بادران چهارگانه داخلی تان (تره کی - امین - ببرک - نجیب) و بادران روسی تان

(رهبران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی)، دولت ارتجاعی می خواندید، و هنوز هم زبان و دهن تان را به این نوع کلمات مستهجن در باره آن سلطنت فرخنده، کثیف می سازید، پلی من و قاطبه ملت افغانستان به آن احترام و حرمت می گزاریم. سلطنتی که شما و امثال شما را از یکی از ولایات دور افتاده وطن به مکتب و از مکتب به پوهنتون برد، برای تان معاش ۵۰۰ افغانی مقرر کرد، که شما به آرامش خاطر درس بخوانید و چیزی یاد بگیرید - که نگرفتید - برای شما لیلیه ساخت که رهائش شما و امثال شما در پوهنتون به آرامش سپری شود و به شما بایسکل خرید، که پای پیاده نروید و برای شما هر سال یک جوره دریشی اهداء نمود که در بین پوهنتون به صورت فرزند "آدم" جلوه نمایند. پلی ما آن سلطنت «خدمتگار خاک و ملت افغان» را که در طول چهل سال سلطنت، هیچ یک از کشورهای حریص همسایه قدمی هم در خاک افغان ما گذاشته نتوانست و از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور امنیت سرتاسری برقرار بود و مردم شریف افغانستان آزاد و غیر وابسته در آن سرزمین با وحدت والای ملی و هموطنی، در نهایت صلح و سلم زندگی میکردند، هزاران پار بر آن جمهوریت های ۲۶ سرطان و ۷ ثور شما و بعد از آن تا امروز، جمهوریت های دست آورد شما که رهبران کشور ما توسط بیگانگان اداره میگردند، ترجیح می دهیم و قابل قدر و احترام می شماریم.

برای شناخت بهتر شخصیت شما - اگر کلمه "شخصیت" را در مورد شما استعمال کرده بتوانیم؟؟؟ - یکی از مقاله های بشمار تان را از نشرات کابل در زمان حکمروائی جنایتکارانه شما که در روزنامه "انیس" تاریخی ۵ میزان ۱۳۵۸ هجری شمسی تحت عنوان کشال و ملال آور «خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه دولت های ارتجاعی گذشته است بر ضد خصلت های ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد» نشر شده بود، جنساً در برابر چشمان مردم قرار میدهم، تا ببیند که اعظم سیستانی، کی بود؟؟ و این فرد ملعون و دون صفت از کدام جنس انسان های شیطان خصلت میباشد و در زندگی مرتکب چه دنائت ها و چه جنایاتی شده است.

برای سهولت مطالعه خوانندگان عزیز، متن این مقاله کثیف و خائنانه شما "تواریش" اعظم را تایپ نموده و در برابر چشمان همه افغانان و قضاوت شان قرار می دهم تا دوست و دشمن خود، وطن و مردم خود را بشناسند.

*** **

نوت: اغلاط املائی و انشایی مقاله تواریش سیستانی بشمار است که تعدادی قلیلی از آنها با رنگ سیاه درشت نشانی شده است ولی وعده میدهم که در نوشته های بعدی همه را یکایک به صورت مشرح توضیح نمایم تا سویه پائین این مؤرخ نما را به خوانندگان از نگاه عدم احاطه او به روش نوشتاری از نگاه صرف و نحو زبان نشان داده باشم.

انیس

۵ میزان ۱۳۵۸ شمسی

محمد اعظم سیستانی

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه دولت های ارتجاعی گذشته است

بر ضد خصلت های ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

انقلاب ثور که بنا بر ضرورت تاریخی، شرايط عینی و ذهنی جامعه افغانستان (پیش آهنگ طبقه کارگر کشور) بحیث نتیجه منطقی مبارزات پانزده ساله آن به پیروزی رسید، تیز سی جدیدی را در برابر علمای جامعه شناسی علمی در زمینه طرز و شکل به پیروزی و به قدرت رسیدن حزب طراز نوین طبقه کارگر مجهز با ایدئولوژی دورانساز طبقه کارگر قرار داد.

روند پرتوان تکامل جوامع انسانی، قانون مند ی جای گزین شدن پدیده های نو را در بطن پدیده های کهنه و زوال یابنده بمثا به یک ضرورت تاریخی حکم میکند و هیچ چیز و هیچ قدرتی نمیتواند در برابر این فرمان قاطع تکامل، سد واقع شود. روز هفت ثور به مثابه نقطه چرخشی عظیم تاریخی در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ما روزی بس سترگ و تاریخی است. در این روز است که نیرو های بلقوه خلق با حرکت جهشی خود نظام پوسیده فیودالی و تاریخ زده سلطنتی را با تمام مناسبات کهنه آن از ریشه برای ابد سرنگون کرد و به جای آن برای اولین بار نظام خلقی و مردمی را به صورت اساسی، پایدار و

انلیس

مؤسس محی الدین انلیس
• میزان سال ۱۳۵۸ شمسی

رئیس موسسه و مدیر مسئول دوخته و فاکیش تیلون ۱۳۱۵ معاون: بنی بستان

مؤده پیروزی به خلقهایی که بخاطر آزادی می رزمند

امپریالیسم خون آشام و شرکای جرم و بی که بنابه قانون نیست پوسیده کی مناسبات غیر عادلانه سیاسی و اقتصادی جهانی بر تحویل اراد فمضی اقلیت خون خوار و طغیانی بر اکثریت قاطع خلقها ی زحمتکش، روز تا روز خود راه بر نگاه نیستی نزد یک نژادیک ترمی یابنده، عنودانه برای خاک کردن آخرین مواضع دست داشته، دست به اصال چگون آمیزی میزنند که در حقیقت به سرنوشت وزنده کی تمام بشریت ازین طامعی میگرد.

آنها به طبع تحت سلطه در آوردن حاکمیت و سرنوشت خلقها ی چسبان و بیجانانه آتش جنگ را در هر جایکه از دست خسانا نیاید، بدون در نظر داشت عوالب ناگوار آن که منجر به نابودی هزار ها و میلیون ها انسان بیگنا میگرد، مشتمل میسازند، تا در پناه دود و آتش آن، بتوانند به آسانی آرو ت ها وهستی خلقها ی زحمتکش را غارت و توجیل کنند.

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه ی دولتهای ارتجاعی گذشته است

بر ضد خصلتهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

خلق با حرکت جهشی خود نظام پوسیده فیودالی و سلطنتی را با تمام مناسبات کهنه آن از ریشه برای ابد سرنگون کرد و به جای آن برای اولین بار نظام خلقی و مردمی را به صورت اساسی، پایدار و مستقر ساخت. چنانکه میدا نیسم «انقلاب اجتماعی ما خصلت عیارت است از شیوه قانون مند حل تناقضات اجتماعی و اجرای آن چنان چرخشی در زندگی جامعه که انسان را از یک مرحله تاریخی در هر حله عالیتر آن میسر میسازد»

به سخن دیگر انقلاب اجتماعی تغییر صورت یبندی اقتصادی، اقتصاد و اجتماعی شدن صورت یبندی خلقی به پیشی تازی حسرت نامیر و زوال یابنده است و از نظر سیاسی انتقال قدرت از دست طبقه حاکمه ارتجاعی به دست طبقه پیشرو و مردمی است. به قول رهبر پرولناری وای چپان: «انقلاب قدر حاکمه از دست طبقه بدست طبقه دیگر خلافت نخستین وعده پیشرو منجر بانیور و فودوان دارد»

حزب دموکراتیک خلق افغانستان بناگوش واقعیتها و شناخت همه جانبه جامعه ما و تازی با روند نیرو منته تکامل اجتماعی جوامع در دورگه ها و بیچارگی های پیشرو و متر کسبی اجتماع از طریق انقلاب راه تکامل سالم جامعه را بیوی جلو می گشاید و گسترش سریع جامعه را در جهت ترقی تأمین میکنند. و به همین جهت مارکس، انقلاب را (لکوموندیو تاریخ) نامیده است. خویش بختا نه این مساله در کشور ما به چه صورت قطع و بر گشت ناپذیر مطابق به خواست زمان و ضرورت تاریخ، بدست فرزندان مبارز و بیگلو جوی خلقی به پیشی تازی حسرت نامیر و زوال یابنده است و تحقق یافتن و حاکمیت خلق بر سرنوشت خودش تأمین گردید و امروز حاکمیت دموکراتیک خلق افغانستان در هر کزقل کار انقلابی بر ضد امپریالیسم و ارتجاعی بین المللی برای ساختن جامعه نوین و تأمین کامل رشد نیرو های بالنده و پیشرو منجر بانیور و فودوان دارد.

و همچنان بررسی اصول میجوینان و به آتش کشیدن خرمنها در دسیسه های منتهین و رها یی هزاران زندهانی بلا کشیده و زمان ها صرف شناسی و داد و ستد، الفا یی مناسبات خصمانه به گروهی و سود خوری با صورت فرمان شماره ششم که منجر به رها یی یازده میلیون ندهقان مظلوم از چنگال ظلمت گردی دارن و بسود خوران مظلوم با اعلام فرمان شماره هفتم کاخ یی بنیاد مناسبات ظالمانه تیرید حاکمانه دوران بفرسار از هم فرو پا شید و در آسرا ن هزاران طفل مصوم از فرودختن قبل از رسیدن به سن شانزده سالگی نجات داده شدند. در زمان دوران ساز شماره هشتم در مورد اصلاحات دموکراتیک ارضی بخاطر محو کاهل مناسبات کهنه و تاریخ زده فیودالی و ماقبل فیودالی چون گرد تاریخ پرستی فیودالیسم در کشور چنان شدت گرفت که کاخ جبروت چندین هزار ساله آن از بنیاد و ازگون گشت. (تأیام)

مستقر ساخت. چنانچه میدا نیم "انقلاب اجتماعی ماهیتاً عبارت است از شیوه قانون مند حل تناقضات اجتماعی و اجرای آن چنان چرخشی در زندگی جامعه که انتقال از یک مرحله تاریخی را به مرحله عالیتر آن میسر می سازد." به سخن دیگر انقلاب اجتماعی تغییر صورت بندی اجتماعی، اقتصادی و جانشین شدن صورت بندی عالیتر به جای صورت بندی کهنه و زوال یابنده است و از نظر سیاسی انتقال قدرت از دست طبقه حاکمه ارتجاعی بدست طبقه پیشرو و متری است. به قول رهبر پرولناری وای جهان: انتقال قدرت حاکمه از دست طبقه ای به دست طبقه دیگر علامت نخستین وعده و اساسی انقلاب، هم به معنی اکیدا علمی و هم به معنی علماً سیاسی این مفهوم است.

باید اذعان داشت که نیرو های پیشرو و متری اجتماع از طریق انقلاب راه تکامل سالم جامعه را به سوی جلو می کشایند و گسترش سریع جامعه را در جهت ترقی تأمین میکنند و به همین جهت، "مارکس" انقلاب را لکومونیو تاریخ نامیده است. خو ش بختا نه این مساله در کشور ما بصورت قاطع و برگشت ناپذیر مطابق به خواست زمان و ضرورت تاریخ، بدست فرزندان مبارز و بیکار جوی خلق به پیش تازی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحقق یافت و حاکمیت خلق بر سرنوشت خودشان

تامین گردید و امروز حزب دموکراتیک^(۱) خلق افغانستان در مرکز ثقل کار انقلابی برضد امپریالیسم و ارتجاع بین المللی برای ساختمان جامعه نوین و تامین کامل رشد نیروهای بالنده و پیشرو مجهز باتیوری دوران ساز طبقه کارگر قرار دارد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با نگرش واقع بینانه و شناخت همه جانبه جامعه ما موازی با روند نیرومند تکامل اجتماعی جوامع در کوتاه زمانی، اقدامات سودمند و ارتقایی در جهت نجات خلق های محروم از چنگال بیرحمانه ظلم و ستم و بی عدالتی اجتماعی و مبارزه با مرض بیسوادی و فساد اجتماعی انجام داده که تاثیر آنرا در تمام گوشه ها و زوایای حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میتوان به آسانی دید و لمس کرد توجه عاجل دولت به کاتکوری زندگان رژیم منفور داودی رسیدگی فوری دولت به حال کارمندان دولتی با متلاشی کردن مرز های نا برابری اجتماعی از ناحیه ماکولات و کوپون کارگران و اجیران با مامورین، ارج نهادن به فرهنگ و زبان و هنر خلق ما و ملیت های کشور^(۲) از طریق نشرات رادیو و جراید و همچنان بررسی احوال محبوسین و به آتش کشاندن خرمن ها دوسیه های متهمین و رهایی هزاران زندانی بلا کشیده زمان ظاهرشاهی و داوود شاهی، الغای مناسبات خصمانه گرویی و سود خوری با صدور فرمان شماره ششم که منجر به رهایی یازده ملیون دهقان مظلوم از چنگال ظلم گروی داران و سود خواران گردید با اعلام فرمان شماره هفتم کاخ بی بنیاد مناسبات ظالمانه و بیرحمانه دوران پدرسالاری از هم فرو پاشید و در اثر آن هزاران طفل معصوم از فروختن قبل از رسیدن به سن شانزده سالگی نجات داده شدند. فرمان دوران ساز شماره هشتم در مورد اصلاحات دموکراتیک ارضی بخاطر محو کامل مناسبات کهنه و تاریخ زده فیو دالی و ماقبل فیو دالی چون گرز تاریخ بر فرق فیو دالیسم در کشور چنان بشدت کو پیده شد که کاخ جبروت چندین هزار ساله آن از بنیاد واژگون گشت.

پایان بخش اول (ادامه دارد)

^۱ - اصطلاح "دیموکراسی" از زبان های لاتین در زبان های پشتو و دری و فارسی و غیره زبان های زمین آمده است و در لسان فرانسوی و همه کشورهای فرانسوی زبان چنین نوشته میشود: (démocratie) و در لسان انگلیسی و همه ممالک انگلیسی زبان چنین تحریر میشود: (democracy) و هر دو طرز نوشتاری همان آهنگ واحد (دیموکراسی) را دارد. در آغاز ظهور گروه «توده» در ایران این کلمه را از زبان فرانسوی گرفتند و مانند صد ها کلمه دیگر غلط تلفظ کردند و غلط نوشتند و از همان جا وابستگان گروه های چپ خلق و پرچم و شعله و متباقی گروه های ضال در افغانستان آنرا از ایرانی ها شنیدند و گرفتند و تا امروز غلط می نویسند ولی درست تلفظ میکنند. عین پروبلیم را با کلمه (دیموکراتیک) دارند.

^۳ - من بار ها نوشته ام که برای بار نخست تفرقه اندازی و متفرق سازی مردم افغانستان (با به اصطلاح رفیق سیستانی «خلق» افغانستان) در کشور توسط رهبران دنی و خائن خلق و پرچم آغاز گردید. این یکی از آرزو های بسیار جدی رهبران اتحاد شوروی جهان خوار بود که برای تسلط بهتر و کنترل بیشتر و کاملتر کشور ما و ممکن دخول بی مشکل آن در حلقه جمهورییت های اقمار شان بعد از دگرگونی کودتای ثور به کمک و فرمانبرداری نوکران خلق و پرچم شان نام و هویت همه اقوام و تبارهای شریف و نجیب افغانستان را به ملیت ها تبدیل کردند تا ملیت یگانه مملکت افغانستان را که (افغان) بود از بین ببرند و مانند دیگر جمهورییت های اقمار شوروی، ملت افغانستان را نیز به ملیت های جمهوری افغانستان در بطن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به جهان معرفی کنند. به همین مناسبت بود که خلقی ها و پرچمی ها تحت هدایت و امر بادران شان وزارت سرحدات افغانستان که از چهار دهه قبل از زمان اعلیحضرت محمد نادرشاه در کابینه افغانستان عرض وجود نموده بود لغو نموده و خائنه به وزارت (ملیت ها) موسوم ساختند، که نتایج منفی آنرا تا امروز به چشم سر می بینیم که ملت متحد و یک مشب افغان زیر این جنایت مشهود می سوزد و می سازد.

انیس

اعظم سیستانی

۷ میران ۱۳۵۸ شمسی

خصلت سوداگری طبایب میراث خصمانه دولت های ارتجاعی گذشته است

این ها و ده ها اقدام مهم انقلابی دیگر را میتوان مثال زد که هر کدام آن نشانه بارز و موثری از تحقق آرمان های انقلاب ثور است. این اقدامات هر یک موجد پیوند های عمیق اجتماعی و دموکراتیک بین توده های خلق و دولت خلقی گردید و روز بروز رشته های همبستگی و اعتماد زحمت کشان و دولت خلقی شان محکم تر شده می رود. و همچنان در جهت تامین خدمات صحی رایگان خاتمه دادن به سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی و مبارزه علیه بیماری گونه گون و بسط و توسعه طب وقایوی و معالجوی گامهای سودمندی برداشته شد.

توجه و دقت در این بخش یک بار دیگر وجدان طبابت را در کشور تکان میدهد و به عناصر وطن پرست و شریف هوشدار میدهد که بر علیه سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی مبارزه بی امان خود را آغاز کند. آیا لازم نیست بر علیه طبیبی که از پول بیوه و از پول یتیم و معصوم محروم از لطف پدری در فضای همین کشور و با آب و هوای همین خاک، به خاطر خدمت به توده های محروم و رنج دیده درس خوانده، و علم فرا گرفته باشد و امروز باز هم این اندوخته خود را با اشک و خون دل هموطنش معاوضه کند و از خدمت مجانی برای توده های رنج دیده پهلو تھی کند، مبارزه شود.

آیا بجا نیست علیه طبیبی که پیش از دیدن جسم مریض چشمش را به جیب مریض دوخته است و علیه طبیبی که زخم خاری را برای مریض بدبختش باصطلاح زخم ناسور جلوه می دهد و آنرا چشمه پول و سوداگری طبابت برای خود می سازد و علیه طبیبی که از تشوشات روحی مریضش بحد ممکن سوء استفاده بجوید و با خراشیدن پوست بدن مریض در اتاق تاریک معاینه خانه اش (به عنوان عملیات) پول گزاف بدست آورد، یا بر علیه طبیبی که از وارخطایی به خاطر تحصیل پول سه چهار مریض را یکی بعد دیگری روی میزش میخواباند و سپس صرف نام های روی نسخه نوشته شدگی اش ثبت میکند و هیچ کدام از مریضان اش را بدقت معاینه نمی کند، آیا نباید علیه این چنین طبیبان سوداگر و پول پرست مبارزه بی امان به راه افتد؟ و آیا نباید این چنین اشخاص در محاکمه خلق و تاریخ خلق رسوا و بد نام گردند.

این کار مطابق به اهداف انقلابی وظیفه فرد فرد از فرزندان صدیق و انقلابی کشور است که باید با سوداگری های ضد اجتماعی در امور صحی سر سخت مبارزه کنند.

می باید آنها را وادار به انجام خدمات مجانی طبی در محدوده تخصص و رشته شان نمود.

می باید وجدان خلقی را درین عده اشخاص بیدار کرد. باید به مردم فهماند طبیبانی که از منافع شخصی شان بخاطر ساختن یک جامعه سالم و صحت مند و رفاه توده های وسیع زحمتکش در میگذرند در واقع از درد خلق با خبر بوده و بخاطر خلق زحمتکش ایثار و فداکاری می نمایند.

رئیس موسسه ویدیرمسول
در نهمه و فاکیش تیفون ۱۷۱۱۵
معاون ای بی وستانی

استقبال از اعلامیه دولت خلقی ما

استقبال بر بشور خلقی سراسر کشور از اعلامیه تاریخی سرور پاک سلیبلی-جیموری دموکراتیک ماگواه روشنی از هیستیک صمیمانه و خلل ناپذیر خلق ما با دولت خلقی شان میا کشنده-تبارز احساسات وطن پرستانه و بی آلیش گروه‌های وسیع کارگران، دهقانان، کارمندان، نووروشن‌نگران، جامعه ما جهت سیم گیری فعلی و مستقیم آنرا زود تطبیق پیروز مندا-آلسه بر نامه های مهران و نوسوماری و تحقق احصاء اب ولای انقلابی کیریو شکوهمندگور، این حقیقت را روشن میسازد که جسمسوری دموکراتیک افغانستان در در اعماق توده ها و در قدر بیستکشان این سر زمین جا دارد و پایگاه های اجتماعی و خلقی آن نیرومند استوار و وخلق ناپذیر است.

اگر چه دشمنان انقلاب بدوشمنان آزا دی میهن برای آنکه مواضعی در راه تکان صلح سریع انقلاب کبیر توده وجود آورد باشند، دست‌بیرگو نه توطئه و دروغ باقی میزنند، حتی از مداخله های مستقیم و بیشتر مانده در امور داخلی کشور ما خود داری نیکنند، اما با گذشت هر روز و با حصول هر پیروزی تازه که در آن با ایستایی غلبه تطبیق شد، دولت خلقی ما به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغان گستاخ نیست می آید، برده آزادی دنیاسی و تیر گلیسا اراجا میورن و امیر یا لست

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه‌ی دولتهای ارتجاعی گذشته است بر ضد خصلتهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

ما ابرار ی سالم یا شند تا بتوانند نمای ما دی فایسل استمالا نو لید گننه پس برای بیار آوردن یک چنین جا همه ای سالم نیرو مند، باید هنگی یا دولت خلقی خود ما قفا نه همکار ی کنیم طبابت را از خدمت اقلیت محسد و مفتت خسو او کهنه‌ناسبات کهنه‌نظام فیودالی در کشور است، پسر آریم و در خدمت توده‌های دولت خلقی ما عقیده دارد که پیشرفت سریع و سالم وقتی نصیب کشور میشود که در آن مردم از میسان توده‌های زحمتکش برچیده شود، از میان افغان‌لوماداران و دهقانان و کارگران و پیشدوران آن مردم به کلی ناپسود گردد. کارگری که سالهاست دهقانان که میسختن از مرض عاری باشد، ما دردی که کرد کس در آنتس درد و مرضی نسوزد و ظایفش را بهتر انجام میدهد و زود تر بسر میرساند و بدین سان پلان ها و پروگرام های انکشافی و خلقی کشور را مطابق به پیشبینی های مطروحه بهتر امکان تطبیق و تحقق پیدا میکند.

علاوه بر این چنین طبیبان سوداگر و پول پرست میازد به بی امان به راه افتد و آبیاناید این چنین اشخاص درمعاکنه خلق و تاریخ خلق رسوا و بد نام گردند.

این کار مطایق به اهداف انقلابی و طبقه فرد فردی فرزندان صدیقی و افلاکی کشور است که باید با سوداگری های ضد اجتماعی و دودامور صحر سوسختا نصیازره گنند.

این ها و ده ها اعلامیه انقلابی دیگری را میتوان مثال زد که هر کدام آن نشانه بارز و موثری از تحقق آرمان های انقلاب نور است، این اقدامات هر یک موجد پیوندهای عینی اجتماعی و دموکراتیک بین توده های خلق و دولت خلقی گردید و روز بروز دوشته های هیستیک و اعتیاد زحمت گشان و دولت خلقی شان محکم تر شد و کسی

می باید آنها را وادار به انجام خدمات میانی طبی در محدود تخصصی و رشته شان نبود.

آیا بجا نیست علیه طبیبی که پیش از دیدن جسمسومری مرضی جشمسوری را به جیب مرضی دوخته است و علیه طبیبی که زخمش را ز ایرادی مرضی بد بخشش یا مسطوح و زخم ناموروه چاوه میدهد و آترا چشمه پول و سرزادگری طبیاست پس ای خود کسی سازد و علیه طبیبی که از تشوینات روحی سر پیشد پند محکم سوء استفاده و بجز بد و با غمرا شیبسختن پرومیت بدن مرضی در آنا تارنیک معاینه خانه اش (به عنوان معاینات) بول گراف بدست آورد یا بر علیه طبیبی که از وارخطای به خاطر تحصیل پول سه چهار روزی میرش میخوابد یا نسه و سپس صرف نام های را روی نسخه نوشته شد کسی اش لکت میکند و هیچ کدام از مریضان اش را بدفست معاینه نمی کند، آیا نباید

روزی و درجه‌بده در دوسس خوانند و علم فرا گرفته باشد و امروز باز هم این آندوخه خود را با اشک و خون دل حوشن بیخوابا عده معاوضه کند و از خدمت میجانی برای توده های رنجیده و بیچارگی کمسازره شود.

دین عده اشخاص بیسند کرد، باید به مردم فیما بین طبیبی نیکه از منافع شخصی شان بظانر ساختن پان رفا و توده های وسیع زحمتکش در میگردند و واقع از درد خلق باخبر بوده و باخاطر خلق زحمتکش ایثار و فداکاری میباید.

باید به مردم فیما بین دولت خلقی شان جز آن می رسد و تا خلق دیگر حد نی ندارد. یکی از اقدامات علیه دیگر دولت خلقی مسا برای فرا هم آوردن هر چه بیشتر تسهیلات در ساحه خدمات صحتی به خلق های خستگی است که اخیراً دولت خلقی ما عقیده دارد که پیشرفت سریع و سالم و مادران و مادران و کارگران و پیشه‌وران مرض به کلی ناپود گردد. کارگری که سحتش از مرض عاری باشد مادری که کودکش در آتش درد و مرضی نسوزد وظایفش را بهتر انجام میدهد و زودتر پسر میرساند و بدین سان پلان ها و پروگرام های انکشافی و خلقی کشور مطابق به پیشبینی های مطروحه بهتر امکان تطبیق و تحقق پیدا میکند.

آیا بجا نیست علیه طبیبی که از پول بیوه و از بول پتیم و معصوم محروم از اطفال باری در قضا ی همین کشور و با آب هوا ی همین خاک، به خاطر خدمت به توده های

باید بظانر هیستیک کابل زحمتکشان و از میان بردن نابرابری های اجتماعی که از طرف دشمنان خلقی و استعمارگران برای سوار شدن بر گرد زحمتکشان و پسر ه کشی می رخا تیه

باید به مردم فیما بین دولت خلقی شان جز آن می رسد و تا خلق دیگر حد نی ندارد. یکی از اقدامات علیه دیگر دولت خلقی مسا برای فرا هم آوردن هر چه بیشتر تسهیلات در ساحه خدمات صحتی به خلق های خستگی است که اخیراً دولت خلقی ما عقیده دارد که پیشرفت سریع و سالم و مادران و مادران و کارگران و پیشه‌وران مرض به کلی ناپود گردد. کارگری که سحتش از مرض عاری باشد مادری که کودکش در آتش درد و مرضی نسوزد وظایفش را بهتر انجام میدهد و زودتر پسر میرساند و بدین سان پلان ها و پروگرام های انکشافی و خلقی کشور مطابق به پیشبینی های مطروحه بهتر امکان تطبیق و تحقق پیدا میکند.

آیا بجا نیست علیه طبیبی که از پول بیوه و از بول پتیم و معصوم محروم از اطفال باری در قضا ی همین کشور و با آب هوا ی همین خاک، به خاطر خدمت به توده های

وزارت صحت عامه آنرا طرح و تصویب نموده است که این اقدام بزرگی است بر ضد سوداگری های اجتماعی در امور صحتی کشور. باید به مردم فهماند که دولت خلقی شان جز آرامی و سعادت خلق دیگر هدفی ندارد. یکی از اقدامات مفید دیگر دولت خلقی ما برای فراهم آوردن هر چه بیشتر تسهیلات در ساحه خدمات صحتی به خلق های زحمتکش کشور در عمل پیاده کردن لایحه جدید پرکتس شخصی طبی (در معاینه خانه های شخصی و ولادت های خانگی) است که اخیراً دولت خلقی ما عقیده دارد که پیشرفت سریع و سالم و مادران و مادران و کارگران و پیشه‌وران مرض به کلی ناپود گردد. کارگری که سحتش از مرض عاری باشد مادری که کودکش در آتش درد و مرضی نسوزد وظایفش را بهتر انجام میدهد و زودتر پسر میرساند و بدین سان پلان ها و پروگرام های انکشافی و خلقی کشور مطابق به پیشبینی های مطروحه بهتر امکان تطبیق و تحقق پیدا میکند. فقط کار موجد ارزش است و این کار وقتی انجام گرفته میتواند که نیروی کار یعنی کارگر و دهقان و پیشه‌ور و تمام زحمتکشان ما افراد سالم باشند تا بتوانند نعمات مادی قابل استعمال تولید کنند. پس برای بیار آوردن یک چنین جامعه سالم نیرومند باید همگی با دولت خلقی خود صادقانه همکاری کنیم. طبابت را از خدمت اقلیت محدود و مفتت خوار که زاده مناسبات مناسبات کهنه فیودالی در کشور است، بدر آوریم و در خدمت توده های زحمتکشان ملیونی که موجد ارزش های مادی اند بگماریم. بایستی راههای سالم و مفید را جستجو کنیم تا دولت بهتر بتواند در تحقق این ارمان سترگ توفیق یابد.

خصلت سوداگری طبابت میراث خصمانه طبقات دولت های مستبد و ارتجاعی گذشته است باید بر ضد خصلت های ارتجاعی و ضد خلقی مبارزه پیگیر و اصولی به راه اندخته شود و تا سرحد نابودی آن ادامه پیدا کند.

باید بخاطر همبستگی کامل زحمتکشان و از میان بردن نا برابری های اجتماعی که از طرف دشمنان خلق و استعمارگران برای سوار شدن بر گرده زحمتکشان و بهره کشی بیرحمانه از ایشان در طی نیم قرن سلطنت شوم خاندان نادری بر خلق ما تحمیل شده مبارزه کرد و نگذاشت نوکران ارتجاع، پول پرستان خود خواه و فیودالان

غاصب و سوداگران کمپرادور در وحدت همبستگی خلقهای زحمتکش درز ایجاد کنند و از راه اندوختن دارایی غیر مجاز طبقه ممتاز و جدا از خلق ایجاد نمایند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه دارد تا برای ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد و جامعه که در مرحله اول از هرکس بقدر استعدادش و به هرکس بقدر کارش مدنظر است، صفوف زحمتکشان را با وحدت دهقانان و کارگران و پیشه وران کم پایه بهم نزدیک و فشرده تر سازد و این ضرورت مبرم را از راه کوپراتیف ها که در آنجا میتوان منافع شخصی دهقانان و خورده مالکان کم پایه را با مصالح علیای کشور و تمام جامعه تلفیق داد، بر آورده گرداند.

به پیش در راه تحقق آرمان های سترگ انقلاب شور.

به پیش در راه ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد.

بقیه ص ۴

خصلت سوداگری ...

از ایشان در طی نیم قرن سلطنت شوم خاندان نادری بر خلق نجیب ما تحمیل شده مبارزه کرد و نگذاشت نوکران ارتجاع، پول پرستان خود خواه و فیودالان غاصب و سوداگران کمپرادور در وحدت همبستگی خلقهای زحمتکش درز ایجاد کنند و از راه اندوختن دارایی غیر مجاز طبقه ممتاز و جدا از خلق ایجاد نمایند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه دارد تا برای ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد

فرد از فرد و جامعه که در مرحله اول از هرکس بقدر استعدادش و به هرکس بقدر کارش مدنظر است، صفوف زحمتکشان را با وحدت دهقانان و کارگران و پیشه وران کم پایه بهم نزدیک و فشرده تر سازد و این ضرورت مبرم را

بقیه ص ۲

پایان دیکتاتور ...

اندازی های وحشیانه قوای سوزا جان سپردند، بیست و سه هزار خانه ویران گردید و نود درصد وسایل

موقتی منتشر گردیده است می هزار نفر غیر نظامی در جریان بمبارد مان و تسبیر

*** **

توقع می رود که خوانندگان واقع بین و منصف متن هر دو بخش مقاله اعظم سیستانی این تاریخ نگار دروغین را همراه با تبصره و معرفی مستند آن مطالعه و حقیقت سیمای این جناب را دریافته باشند.

ختم